



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۱ سپتمبر ۲۰۲۳

زنده یاد سید موسی عثمان هستی

تاریخ نشر نخست ۲۰۱۴

تو گفتی احمدشاه مسعود را ما ساختیم



تخلیصی از یک نوشته مفصل و مشرح از قلم روانشاد "سید موسی عثمان هستی"

بعد از اینکه اولین بار من افشا کردم که احمدشاه مسعود بعد از جنگ پنجشیر در زمان داوود در پاکستان تعلیمات نظامی توسط آی اس آی دیده بود، با سیزده نفر بعد از به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک افغانستان به لیز نورستان آمد و ما او را از لیز نورستان به پنجشیر آوردیم، حفیظ منصور که از نزدیکان احمدشاه مسعود است ناگزیر شد تا حرفهای مرا تأیید کند و به طرفداران احمدشاه مسعود راه نماند که بگویند احمدشاه مسعود در پاکستان از نمک خوران آی اس آی نبوده و مخالف پاکستان بوده، اگرچه نمک حرامی احمدشاه مسعود در قتل و به شهادت رساندن پهلوان احمدجان و دیگر هم‌زمان خودش مثل کفایت الله ثابت شده است.

چگونه مسعود پری گل را می شناسد؟ (پری گل نام اصلی خانم احمد شاه مسعود بوده و در ایران به

نام صدیقه مسعود شناخته می شود.)

پری گل در این کتاب، تعریف می کند که مسعود چگونه به او دست یافته است و به شرح خاطراتی می پردازد که خود مسعود بعد از ازدواج برای او تعریف کرده است " : یک روز بعد از ظهر جوانان مجاهدین به گمان این که او (مسعود) خوابیده است با هم صحبت می کردند. یکی از آنها گفته بود: " می دانی خواجه تاج الدین (پدر زن مسعود) دختر زیبایی دارد؟"

دیگری گفته بود: "تو از کجا می دانی"

"من او را دیده ام"

"خوب به خواستگاریش برو! وگرنه قبل از تو خودم این کار را می کنم!"

پدرم مردی خود رای و کمی خونسرد بود. در نتیجه هیچ کدام از این دو جوان جرات اقدام چنین کاری را نداشتند.

به این ترتیب مسعود از وجود من با خبر شد و خیلی هم طولش نداد "

با اینکه مسعود و همسرش قبل از ازدواج هم در یک خانه سکونت داشتند ولی تا آن زمان هنوز چشم مسعود به پری نیفتاده بود، ولی وقتی از وجود پری با خبر شده بود " چند بار هنگام رفتن به اتاقش بدون اینکه در بزند وارد خانه شد . بایستی مرا زیبا دیده باشد زیرا یک شب عزمش را جزم کرد و پدر و مادرم را نزد خود خواند و بدون هیچ مقدمه ای خواسته اش را بیان کرد.

هفده سال اختلاف سن

پری هفده سال داشت و مسعود ۳۴ سال که با هم ازدواج کردند: "ما زن و شوهر شدیم. آن شب مثل شبهای بعد چیزی بین ما نگذشت. شوهرم صبر کرد تا همدیگر را بشناسیم. من دختر بسیار جوانی بودم و به نوعی چشم و گوش بسته بزرگ شده بودم ما در دره دور افتاده ای، بدون رادیو و تلویزیون، اقامت داشتیم. من هیچ دوستی نداشتم و هیچ چیز از زندگی مشترک نمی دانستم)

احمد شاه مسعود فرزند دگروال دوست محمد در سال ۱۳۳۲ برابر با ۱۹۵۳ میلادی در قریه جنگلک ولسوالی پنجشیر تولد شد. پدر کلان او زمرد شاه از قریه ده بیدی سمرقند در زمان امیر امان الله خان به افغانستان مهاجرت کرده و در دره پنجشیر اقامت گزید. به گفته بزرگان پنجشیر که نه من رد می کنم و نه تأیید.

حین بازگشت احمدشاه مسعود به پنجشیر از جوزای ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ یکتعداد مبارزین واقعی راغیر از پهلوان احمدجان قهرمان ملی، وطن پرستان دیگر را در آن زمان هنوز با آی اس آی روابط تنگاتنگ داشت از مکرهای روباهی کارگرفته به شهادت رساند. عظیم فارغ تحصیل ابوحنیفه از

منطقه گلاب خیل کهمرد، شجاع و وطن پرست بود، اولین کسی است که احمدشاه مسعود را بزکوهی مینامید. شخص دیگر معلم دین محمد پنجشیری، معلم نورمحمد مشهور به آرتوس، تاج و وصال از پایین پنجشیر از قریه تلوخ خواجه مرزا از قریه سنگین خان با یاران اش میرحسین و برادرش از دوستان و یاران جانانجانی خود، مسعود از قریه بابیه ولی، فاروق، رزاق، سیف الدین از جمله سرگروپ ها بودند. از قریه آرمان در حدود پنجاه نفر با این شهدا همفکران و همسنگران شان به جرم همکاری با این سه نفر کشته می شوند. مجاهدین اندراب را به خاطریکه تن به احمدشاه مسعود نمی دادند در کمین ها توسط دار و دسته مسعود کشته شدند. نصرالله خان پشغور در یک شبخون توسط احمدشاه مسعود نابود می شود. غیر از اینها بشمول ولی نعمت اش پهلوان احمدجان صد ها نفر دیگر را کشت تا بالاخره به نام امرصاحب مشهور شد. در این کشتار پول و زمرد قیوم نقش بیشتر داشته است. مثبت نمونه خروار:

سی و پنج نفر سامائی که از کوی صافی در اثر فشارحزب اسلامی فرار کرده بودند توسط احمدشاه مسعود زنده به دریا انداخته شدند.

در ذیل از جمله این سرفرازان و قربانیان جنایت هولناک باند اخوانی احمدشاه مسعود منافق، نامرد و مثبت نمونه خروار نام برده و یاد می کنیم و محل زادگاه شان را به اساس تقسیمات اداری همان وقت کشور می آوریم: بخاطری که بهتر بشناسید که احمدشاه مسعود در قتل کدام اشخاص مستقیم دست دارد این لستی که تکراری هم آمده خدمت خوانندگان و علاقمندان تاریخ معاصر افغانستان تقدیم کردم :

الحاج پهلوان احمد جان صدیق فرزند جگرن محمد صدیق قهرمان کشتی و قبلاً رئیس ملی المپیک افغانستان از قریه سفید چهر ولسوالی پنجشیر ولایت پروان (فعالاً ولایت پنجشیر).

معلم کرام الدین فرزند ملا محمد از قریه ملسیه بازارک ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.
محمد غفار فرزند احمد بیگ پسر کاکای پهلوان احمد جان در جریان درگیری در سفید چهر به شهادت رسید.

قل محمد فرزند حبیب الله کارگر "لودر کار" در پروژه حفظ و مراقبت سالنگ ها. از قریه گلاب خیل در دره پاننده به همراه نفرات شماره (۷-۶) به شهادت رسید.

تاج محمد فرزند غوله مرزا از قریه سنگی خان ولسوالی پنجشیر ولایت پروان. باسواد. قبل از شهادت دهقان.

قاضی محمد عظیم فرزند محمد ابراهیم فارغ صنف (۱۴) دارالعلوم کابل. از قریه لاله خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

غلام حسین فرزند محمد امیر محصل دانشکده ادبیات. از قریه گلاب خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

محمد مراد فرزند محمد محسن از قریه جهر علی منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

امرالدين فرزند نجم الدين دهقان از " "

معلم محمد دین فرزند سلطان. فارغ دانشکده ادبیات. از قریه گلاب خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

محمد صادق فرزند بلند خان فارغ صنف (۱۲) از قریه قلعه ترخه منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

ملا عبدالجلیل فرزند محمد افضل از قریه باباعلی، پدر عبدالحفیظ آهنگرپور ولسوالی پنجشیر. به جرم پدر حفیظ بودن.

معلم محمد نور فرزند ملا مرزا محمد از قریه باباعلی ولسوالی پنجشیر. فارغ صنف ۱۴ دارالمعلمین پروان.

عبدالفاروق فرزند نیک محمد برادر زاده وکیل اختر محمد خان. متعلم صنف ایسه صنایع کابل. از قریه باباعلی ولسوالی پنجشیر.

محمد زارق فرزند لنگر خان. نواسه کاکای وکیل مذکور. از قریه باباعلی فارغ صنف نهم. ولسوالی پنجشیر.

نظر محمد فرزند سکندر. قبلاً مأمور دولت. از قریه کرمان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

جانگل فرزند امیرخان فارغ صنف (۱۲). قبلاً مأمور دولت. از قریه کرمان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

محمد اکبر فرزند عبدالجلیل متعلم صنف (۱۲) از قریه کرمان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

دولت خان فرزند سید محمد. دهقان. از قریه پسگران ولسوالی پنجشیر.

محمد نعیم فرزند بابہ خان فارغ صنف (۱۲) از قریه پسگران ولسوالی پنجشیر.

محمد رازق فرزند سیدخان از قریه تنخو دره عبدالله خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

عبدالرحیم فرزند محمد کریم از قریه سفید چهر ولسوالی پنجشیر. بعد از مدت چند ماه زندانی بودن در منطقه دره، به شکل انفرادی به شهادت رسید.

انجنیر محمد عمر فرزند احمد دین از قریه ملسپه بازارک ولسوالی پنجشیر.

محمد صدیق فرزند... از قریه ملسپه بازارک ولسوالی پنجشیر.

شمس الدین فرزند... از قریه پاراخ رخه. سه روز پس از عروسی اش دستگیر شد. ولسوالی پنجشیر.
علم آغا گل فرزند... ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.
معلم خواجه مرزا فرزند... ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.
معلم محمد ایوب فرزند آغامیر خان از قریه باباعلی توسط رژیم خلقی در تپه های گل غوندی بر
فراز شهر چاریکار مرکز ولایت پروان به شهادت رسید.
جاودانه باد یاد این سرفرزان تاریخ و کشته گان دست خون آلود اخوان!
زندان "چاه آهو" در نقطه ئی مرتفع تر از مزار " جاودانه گان گمنام" در کمر های بلند هندوکش
قرار دارد.

احمد شاه مسعود و میراثی که برای افغانستان به جا گذاشت

دو روز پیش از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ احمد شاه مسعود در
یک سوء قصد در ولایت تخار افغانستان کشته شد. احمد شاه مسعود در آن زمان ۴۸ ساله بود، و
یاران نزدیک اش در ترور او نامردانه نقش مستقیم داشتند و بدون همکاری یاران اش امکان دارد
از جمله سیاف و فهیم بدون شک در ترور احمدشاه مسعود نقش کلیدی با دوعرب داشتند.
مزدوران خود فروخته شورای نظار در مجلس بن حرف اول را زدند و در سیزده سال(در زمان
نوشتن این سطور ۱۳ سال و بعد تا بیست سال دیگر) دست به کشتار زده و مشغول جمع کردن دالر
بودند. پکول را به نکتایی تبدیل کردند، قبل از آن سرکار با مزخرفات دین داشتند، بعد از مجلس بن
پکول و لنگی را دور انداختند با نکتایی داخل میدان دموکراسی شدند، در ظاهر عقیده به دموکراسی
پیدا کردند .

خرعیسی گراش به مکه برند

چونکه باز آید هنوز خر باشد

سگ گر به دریای هفت گانه بشوئی

چونکه تر شد، پلید تر باشد

شاید این شعر آنچه که شاعر شعر نوشته باشد در نوشته شعر مرتکب اشتباه شده باشم، قبل از اینکه
کسی اعتراض کند خود اعتراف کرده ام.

نوت:

— نوشته های روی قاب از من نیست از یک نفر به نام مشتباه خان(شاید مجتبی بوده باشد) است و
مشتبا خان شاید که یکی از سر سپردگان راه حزب آزادگان که در زمان پهلون احمدجان به وجود

آمد، باشد، یا نباشد وقتیکه حزب آزادگان ساخته شد احمدشامسعود و یاران اش در پاکستان بودند. احمدجان به این فکر بود که حزب نباشد بنام یک شورا فعالیت کنیم ما او را قانع ساختم که شورا درد سر ایجاد می کند، بهتر است حزب آزادگان بسازیم بعد شورای نظار گرفته شده از نظریه‌پهلوان احمدجان است و شورای نظار ادامه دهنده حزب آزادگان است که من در رهبری آن قرار داشتم و انکار هم نمی کنم و چیز پنهان هم نیست که من انکار کنم.